

# نخستین تاریخ فتوحات اسلامی در کردستان

• محسن مؤمنی

ایران، کتاب فتوح سوادالعراق به روایت محمد بن عمر واقدی است. این منبع به طور اختصاصی به بحث درباره فتوحات در مناطق کردنشین، از شروع فتوحات در این مناطق تا پایان فتوحات در دوره عثمان، می پردازد. کتاب شامل سه بخش است:

بخش نخست شامل دیباچه مصحح، شرح حال مترجم، شرح حال مؤلف و آثار او و معرفی ترجمه های متعدد کتاب است.

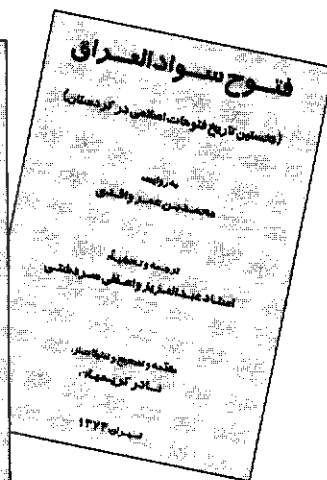
بخش دوم دیباچه مترجم، چگونگی ورود سپاه اسلام به مناطق کردنشین، ذکر فتح قسمت های مختلف و پادشاهان این قسمت ها، ذکر فتوحات آذربایجان و ذکر فتوح ارمانی (ارومیه) را شامل می شود. بخش سوم نیز شامل تعلیقات متن، تعلیقات حواشی، کتابنامه و فهرست اعلام است.

سه نسخه خطی درباره ترجمه فتوح سوادالعراق موجود است:

۱- نسخه خطی استاد محمد رؤف توکلی به کتابت مرحوم «واعظی». این کتاب را استاد واعظی در سال ۱۳۴۵ ه.ش. برای نخستین بار برای آقای محمد رؤف توکلی تحریر کرده است. این نسخه مطمئن ترین و اصیل ترین نسخه موجود در باب ترجمه فتوح سوادالعراق است.

۲- نسخه استنساخ شده در سال ۱۳۴۶ ه.ش. این نسخه را مرحوم واعظی در سال ۱۳۴۶ ه.ش. براساس نسخه دستنویس و اصلی خود استنساخ نموده است.

۳- نسخه استنساخ ملاحظه الباقی فرزند ارشد استاد واعظی. هنوز نسخه اصلی عربی فتوح سوادالعراق در فهرست نسخ عربی ثبت و گزارش نشده است. گویا نسخه خطی که به وسیله محمد رؤف



- فتوح سوادالعراق به روایت محمد بن عمر واقدی
- ترجمه و تحشیه: استاد عبدالعزیز واعظی سردشتی
- مقدمه و تصحیح و تعلیقات: نادر کریمیان
- ناشر: مجموعه آثار واعظی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ۳۸۱ ص، ۱۰۰۰ تومان

درباره فتوحات مسلمانان آثار موجود مانند فتوح ابن اعثم کوفی، فتوح البلدان بلاذری و فتوح شام واقدی حاوی اطلاعات مفیدی هستند، اما اطلاعات این منابع درباره قسمت غربی ایران (سواد) - شامل مناطق کوهستانی کردستان ایران و عراق - ناقص است. یکی از منابع مهم درباره فتوحات مسلمانان در مناطق کوهستانی غرب

توکی برای ترجمه در اختیار استاد واعظی قرار گرفته، نسخه‌ای دستنویس بوده است.

اهمیت کتاب فتح سواد العراق بیشتر به این خاطر است که کهن‌ترین سند مکتوب درباره تاریخ قوم کرد بعد از اسلام است که به صورت مستقل به این موضوع می‌پردازد. هر چند قطعه پوستی که در شهر سلیمانیه پیدا شده و حاوی ابیاتی به خط پهلوی در شکایت از مصائب حمله قوم عرب و افول آیین زرتشتی است، از لحاظ قدمت بر فتوح سواد العراق پیشی می‌گیرد. از ویژگی‌های مهم کتاب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- در این اثر اعتقادات دینی مردم کردستان قبل از اسلام تا حدودی نمایان می‌شود و درباره رابطه مردم با دین زرتشت، شیوه اجرای فرامین و قوانین دینی شواهد خوبی برای فهم اوضاع دینی قوم کرد در صدر اسلام ارائه می‌دهد.

۲- در این اثر، توصیفی از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن دوران ارائه شده که برای تدوین تاریخ قوم کرد از بهترین سرچشمه‌های پژوهش به شمار می‌رود.

۳- انعکاس روحیات اخلاقی و روانی قوم کرد در کتاب که از بعد جامعه‌شناسی بسیار مهم است.

۴- در این کتاب مجموعه‌ای از نامه‌های فرماندهان مسلمان به خلیفه و یا به حاکمان کردستان وجود دارد که برای تدوین تاریخ اسلام و تاریخ محلی دارای اهمیت فراوانی است.

۵- مهمترین خصوصیت تاریخ کردستان ذکر اعلام جغرافیایی و اسامی پادشاهان و بزرگان قوم کرد در آن دوران است که این ویژگی در دیگر متون مربوط به تاریخ کرد و کردستان وجود ندارد.

۶- ذکر سنت‌ها و رسوم قوم کرد که از جمله قوانین ازدواج در منطقه کردستان قبل از گرایش مردم کرد به اسلام است.

۷- وجود اشتباهاتی در متن فتوح سواد العراق که در متن مقاله درباره آن توضیح داده خواهد شد.

#### مؤلف کتاب:

یکی از مسائل بحث‌انگیز درباره کتاب فتوح سواد العراق هویت مؤلف است، زیرا این کتاب به روایت واقعی است؛ پس سؤالی که مطرح می‌شود این است که این اثر توسط چه کسی گردآوری و یا در چه تاریخی تألیف شده است. چنانکه می‌دانیم محمد بن عمر واقعی یکی از بزرگترین دانشمندان در تاریخ، حدیث، فقه، تفسیر، ادبیات و جغرافیا است. محمد بن عمر واقعی در سال ۱۳۰ ه.ق. در اواخر خلافت مروان بن محمد در شهر مدینه متولد شد. کار اصلی او در مدینه تجارت غله بود. پس از اینکه از این کار متضرر گردید، به نزد یحیی بن خالد برمکی رفت و مورد توجه هارون قرار گرفت. در سال ۱۸۰ ه.ق. به بغداد مهاجرت کرد و از سوی هارون الرشید به مقام قضاوت شهر بغداد رسید (قضاوت ناحیه شرقی بغداد). در زمان مأمون نیز به مقام

قضاوت عسکر منسوب شد.

واقعی در سال ۲۰۷ ه.ق. دارفانی را وداع گفت. وی در کثرت تألیف و تصنیف مشهور بود. اما متأسفانه با وجود کثرت آثاری که از واقعی نقل شده و مجموعه تألیفات او که در کتب رجال و تذکره ثبت و ضبط شده‌اند، تنها اندکی از آثار او به دست ما رسیده است. آنچه را هم به نام واقعی تألیف و یا چاپ کرده‌اند، اغلب در نسبت آنان به واقعی جای شک و تردید است. ژان سوژه در اثر خود به نام مدخل تاریخ شرق اسلامی (ص ۲۱۰) پس از بررسی کتب فتوحات اسلامی در پایان می‌گوید: روایات متعددی که درباره فتوح به واقعی نسبت داده شده، ساختگی است و مربوط به دوره‌های متاخر است.»

فؤاد سرگین در تاریخ التراث العربی درباره آثار واقعی می‌گوید: «برخی از نگاشته‌های تاریخی مانند: فتوح الشام، فتوح مصر، فتوح سواد العراق و جز آنها که نسخه‌های خطی آنها در دست است و برخی از آنها چاپ شده‌اند، به واقعی نسبت داده شده است، ولی حقیقت آن است که این‌ها روزگاری دیرتر نگاشته شده‌اند.»

ویژگی‌های واقعی در تاریخ‌نگاری را این گونه می‌توان ذکر کرد: تدوین وقایع تاریخی همراه با سلسله اسناد روات که بر اعتبار خبر می‌افزاید. شیوه تاریخ‌نگاری واقعی تاریخ‌نگاری نقلی است و کمتر به تحلیل وقایع تاریخی می‌پردازد. در مورد اطلاعات جغرافیایی مکان‌های تاریخی اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد که گاه نتیجه بازدید خود او از آن مکان‌ها است. آثار واقعی به وسیله نویسندگان بعدی مورد توجه قرار گرفته و افرادی مثل بلاذری از آن استفاده کرده‌اند.

بنا به دلایلی می‌توان گفت که کتاب فتوح سواد العراق از تألیفات محمد بن عمر واقعی نیست، ولی مواد اصلی داده‌های تاریخی کتاب از آغاز تا پایان از آثار واقعی اخذ و اقتباس شده است. به همین دلیل این کتاب به واقعی نسبت داده شده است. حتی در جاهایی از کتاب با ذکر جمله «قال الواقعی رحمه الله»، نشان می‌دهد که نویسندگان از تألیفات واقعی استفاده کرده است. حتی گاهی از محمد بن اسحاق نام می‌برد. ولی می‌توان نتیجه گرفت که تکیه اصلی نویسندگان بر تألیفات واقعی بوده است. از دلایل دیگر در رد انتساب کتاب به واقعی ذکر نام‌هایی است که در قرن سوم در منطقه کردستان رایج نبوده، مانند واژه: ساو جیلاغ (سوق بلاغ - چشمه آب سرد) که واژه‌ای ترکی است و بعد از ورود و استقرار ترک‌ها در ایران و منطقه آذربایجان رایج شده است. راجع به واژه ساو جیلاغ (مهاباد فعلی) در متون جغرافیایی و تاریخی بعد از اسلام تا دوره صفویه ذکر بی‌میان نیامده است. حتی در آثار متأخر مربوط به کرد و کردستان یعنی شرفنامه بدلیسی (تألیف در سال ۱۰۰۷ ه.ق) نیز اشاره‌ای به ساو جیلاغ نشده است. بعدها در سال ۱۰۳۸ ه.ق. که ایل مکرری در منطقه ساکن شدند، واژه ساو جیلاغ مرسوم گردید.

#### در درگیری‌های

سپاهیان مسلمان در مناطق کردنشین، صحبت از سپاهیان کمکی فارس نژاد به میان می‌آید. درباره هویت فارس نژادان دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه اینها از بقایای سپاهیان ساسانی بوده‌اند و یا اینکه از دهقانان ساکن منطقه سواد محسوب می‌شده‌اند

ویژگی تاریخ‌نگاری واقعی: تدوین وقایع تاریخی همراه با سلسله اسناد روات که بر اعتبار خبر می‌افزاید

حال با ذکر این دلایل ما می‌توانیم به زمان تقریبی تألیف این اثر آگاه شویم، این نکته که کتاب بعد از صفویه تألیف شده بیشتر محتمل است. ولی این سؤال مطرح می‌شود که مؤلف آن کیست؟ از مطالعه دقیق این اثر متوجه می‌شویم که مؤلف اثر به احتمال قوی اهل تسنن بوده، زیرا در بیشتر جاهای کتاب در ذکر نام خلفای راشدین و یا حتی در ذکر نام خالد بن ولید و اژه حضرت را به کار برده است.

و یا حتی در ذکر حوادث مربوط به پادشاهان یا حاکمان کردستان در هنگام هجوم اعراب مسلمان نشانه‌هایی از تعصب مؤلف به واقعیت‌های تاریخی وجود دارد. احتمال تصنیف این اثر در زمان صفویان با توجه به طرفداری شدید صفویه نسبت به تشیع و سخت‌گیری آنان نسبت به اهل تسنن منتفی است و اینکه کردستان در این دوران دارای حساسیت زیادی بوده و جزء ایالت‌های والی‌نشین صفویان محسوب می‌شده است. پس می‌توان احتمال داد که این اثر بعد از سقوط صفویان در ایران تألیف شده و مؤلف نیز به احتمال قوی کُرد و ساکن کردستان بوده، زیرا در ذکر مکان‌های جغرافیایی اطلاعات دقیقی داشته است.

محتوای کتاب:

کتاب به صورت وقایع‌نگاری تألیف شده است. بخش دوم کتاب متن اصلی ترجمه است که مبحث اول آن در بیان حرکت سپاه اسلام به سوی کردستانات و فتح برخی از نواحی آنجاست. در این قسمت از نامه‌ای بحث می‌شود که توسط ابو عبید جراح بعد از گرفتن شام و روم به عمر بن خطاب (خلیفه دوم) نوشته است. در آن نامه ابو عبید از خلیفه درباره حرکت به سوی مدینه یا حمله به مناطق کوهستانی کردنشین مشورت خواسته است.

خلیفه عمر با مشورت دیگر بزرگان اسلام تصمیم گرفت به مناطق کردنشین حمله کند و خالد را به فرماندهی سپاه تعیین کرد. خالد با نیروهایی عازم منطقه شد. در بین این سپاهیان افرادی چون: زبیر بن عوام، فضل ابن عباس، مقداد بن اسود، عبدالرحمن بن ابی بکر، عبدالله بن عمر و ضرار بن ازور حضور داشتند. در نامه عمر بن خطاب اسامی پادشاهان کرد (فرخ خان، مالک بن هشتر و دانیکور) آمده است. نکته جالب اینکه در دیگر کتاب‌های فتوح ذکری از این نامه‌های رد و بدل شده بین فرماندهان لشکر اسلام و خلیفه به این صورت تفصیلی نیامده است. بعضی از منابع، اولین برخورد سپاه اسلام با اکراد را بعد از فتح جولوا در سال ۱۶ هجری می‌دانند، که قعقاع در تعقیب فراریان، حلوان را تصرف می‌کند و این اولین تماس سپاه اسلام با سرزمین کردها بود.<sup>۲</sup>

در این قسمت کتاب به ذکر درگیری خالد بن ولید برای تسلط بر اربیل و ارموطه می‌پردازد. بعد از آنکه خالد بر اربیل و ارموطه تسلط می‌یابد به سوی ملک فرخ خان حرکت می‌کند. طبق گفته‌های کتاب، ملک فرخ خان یکی از بزرگترین حاکمان کرد بوده که با همکاری خواهرش از میره که زن کاردان و عاقلی بوده بر قلمروش حکمرانی می‌کرده است. او نسبت به مردم ظلم و ستم فراوانی روا می‌داشته است. خالد بن ولید با فرستادن نامه‌ای ملک فرخ خان را به پذیرش اسلام دعوت می‌کند، ولی او از این کار امتناع می‌ورزد.

نکته جالب در فرستادن این نامه‌ها این است که پیک‌هایی که از طرف مسلمان فرستاده می‌شدند از اکراد مسلمان بودند و این امر حاکی از پذیرش اسلام توسط بعضی از مردم کرد در این دوره است. سرانجام در درگیری بین سپاه اسلام و ملک فرخ خان، ملک فرخ خان به دست مقداد بن اسود کشته می‌شود. فرخ خان قبل از کشته شدن نامه‌ای به سوی عموی خود مالک بن هشتر پادشاه دقمان می‌فرستد و از او علیه اعراب کمک می‌خواهد. (دقمان شهری است در کردستان عراق در جنوب شرقی پیرانشهر ایران). نکته جالب درباره نام عربی پادشاه کرد دقمان، یعنی مالک بن هشتر است که هویت تاریخی این شخص را زیر سؤال می‌برد. بعد از رسیدن خبر قتل ملک فرخ خان به مالک بن هشتر، او نامه‌هایی به سوسن (طبق گزارش‌های فتوح سواد العراق سوسینا با برادرش جالکون از ملوک الطوایف ارمن که در ناحیه سردشت حکومت می‌کردند)، پادشاه رباط (منطقه‌ای در نزدیکی سردشت)، پادشاه قیروان و پادشاه شیدر می‌نویسد و از آنان کمک می‌خواهد. سپس پسرش فیروزان را با سپاهی مرکب از ۱۵ هزار نفر برای انتقام گرفتن از اعراب می‌فرستد که این سپاه شکست می‌خورد و فیروزان به دست عبدالرحمن بن ابی بکر کشته می‌شود. بعد از این وقایع خالد سپاهی به فرماندهی ضرار بن ازور و عبدالرحمن بن ابی بکر به سوی ملک دانی کور (دانای کور) پادشاه شیدر می‌فرستد که شیدر را فتح می‌کنند.

فصل سوم در بیان حوادث فتح مناطق دقمان و کوهستان آن است که گویا زبیر بن عوام، فضل بن عباس، عبدالرحمن بن ابی بکر، عبدالله بن عمر و ضرار بن ازور در آن حضور داشتند. در هنگام هیاهوی جنگ فرمانده سپاه اکراد به دست فضل بن عباس کشته می‌شود که با کشته شدن او سپاه اکراد از هم می‌پاشد و سپاه اسلام آبادی دقمان را فتح می‌کند.

فصل چهارم در بیان فتح کامل شیدر و توابع آن است. قبلاً در معرفی فصل دوم گفتیم که سپاه اسلام در یک درگیری سپاه پادشاه شیدر، ملک دانی کور را شکست می‌دهد، ولی موفق به فتح کامل شیدر و شکست نهایی ملک دانی کور نمی‌شود. خالد با مشورتی که از یاران خود می‌گیرد تصمیم به فتح کامل شیدر و شکست ملک دانی کور می‌گیرد و طی نامه‌هایی که رد و بدل می‌شود، ملک دانی کور راضی به قبول اسلام نمی‌شود و کار به جنگ می‌کشد. سپاه اسلام موفق به شکست اکراد می‌گردد. در این قسمت کتاب صحبت از گروهی فارسی‌نژادان به میان می‌آید که به درخواست دانی کور به کمک او می‌آیند، ولی دانی کور شکست می‌خورد و کشته می‌شود. در کتاب فتوح سواد العراق اشاره‌ای به هویت فارسی‌نژادان که به کمک دانی کور می‌آیند نشده است. در پایان خالد بعد از فتح شیدر، مرجین (ملک فرخ خان) و دقمان، فتحنامه‌ای به همراه خمس غنایم برای عمر بن خطاب می‌فرستد. تاریخ متن نامه خالد از نظر تاریخی دارای اشکال است، زیرا تاریخ یکشنبه ذی قعدة سال ۲۶ هجری را نشان می‌دهد.

خالد بعد از آن نامه‌ای به اهالی سوسانی می‌نویسد و آنان اطاعت او را قبول می‌کنند و مسلمان می‌شوند و خالد برای آن که اهالی دوردست از عدالت او سخن بگویند، مالیات و خراج دو سال آنان را

**در کتاب**  
**فتوح سواد العراق**  
**مجموعه‌ای از نامه‌های**  
**فرماندهان مسلمان به**  
**خلیفه و یا به حاکمان**  
**کردستان وجود دارد که**  
**برای تدوین تاریخ**  
**اسلام و تاریخ محلی**  
**دارای اهمیت فراوانی**  
**است**

**مهمترین خصوصیت**  
**کتاب فتوح**  
**سواد العراق، ذکر اعلام**  
**جغرافیایی و اسامی**  
**پادشاهان و بزرگان قوم**  
**کرد در آن دوران است که**  
**این ویژگی در دیگر**  
**متون مربوط به تاریخ**  
**کرد و کردستان**  
**وجود ندارد**

معاف می‌کند. بعد از اطاعت اهالی سوسانی، خالد قصد ناحیه شهباز می‌کند (ناحیه‌ای بین سردشت - مهاباد). پادشاه آنجا شخصی به نام جاسوم بود. در درگیری مسلمانان با اهالی آنجا مقداد بن اسود کندی، جاسوم را به قتل می‌رساند و اهالی قتل عام می‌شوند. بعد از آن اهالی بیجان که امروزه همان اسلام آباد است، اقدام به پذیرش اسلام می‌کنند. دوتن از یاران خالد به قصد تعلیم مفاهیم دین اسلام به نزد آنان فرستاده می‌شوند اما کشته می‌شوند و این باعث می‌شود که خالد، عبدالله بن عمر را به سوی آنان گسیل کند. آنها اهالی آنجا را قتل عام می‌کنند.

اخبار بعدی در این قسمت، فتح شهر زور و قره جلون است. براساس روایت‌های فتوح سواد العراق، قعقاع بن عمر مامور فتح شهر زور می‌شود. این کار به فرمان عمر بن خطاب انجام می‌گیرد و قعقاع به راحتی بعد از یک درگیری اکراد را شکست می‌دهد. قعقاع بعد از فتح شهر زور به طرف شهر قره جلون می‌رود و پادشاه آنجا به نام ملک جاجور در درگیری با قعقاع کشته می‌شود. اعراب بعد از آن به سوی خالد رهسپار می‌شوند.

در بررسی مقایسه‌ای بین کتب فتوح، شاهد اختلاف نظر در تصرف «شهر زور» هستیم. براساس کتاب فتوح البلدان بلاذری فتح «شهر زور» به دست مسلمانان در زمان عمر بن خطاب به عتبه بن فرقد منسوب است.

بلاذری فتح شهر زور را در سال ۲۰ هجری می‌آورد<sup>۲</sup>. ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح، فتح شهر زور را به دست عدی بن زید الطائی می‌داند که به فرمان سعد بن ابی وقاص با ده هزار سوار به شهر زور فرستاده می‌شود و آنجا را تصرف می‌کند<sup>۳</sup>. ولی گویا فتح حالت غارت منابع را داشته است تا فتح کامل. نکته حائز اهمیت این است که هیچ یک از منابع اشاره‌ای به فتح مجدد ندارند.

اخبار دیگر در این قسمت از کتاب تصرف شهر رباط است که خالد با اعزام قعقاع و مقداد، پادشاه آنجا، قیروان را شکست می‌دهد و ملک قیروان به دست ضراب بن ازور کشته می‌شود. در اینجا نیز صحبت از سپاهیان کمکی فارس نژاد به میان می‌آید. درباره هویت فارس نژادان دو احتمال وجود دارد یکی اینکه اینها از بقایای سپاهیان ساسانی بوده‌اند و یا اینکه از دهقانان ساکن منطقه سواد محسوب می‌شده‌اند.

فصل چهارم: در این قسمت صحبت از فتح نواحی آذربایجان می‌شود. در زمانی که خالد با سپاهیان اسلام به انجام می‌رسد، پادشاهی به نام ارجانوسه بر آذربایجان حکمرانی می‌کرد. ارجانوسه با مشاوران خود درباره جنگ یا تسلیم در برابر اعراب به مشورت می‌نشیند که آنان این تصمیم را به عهده ارجانوسه می‌گذارند. او تصمیم به جنگ می‌گیرد و به دست ضراب بن ازور اسیر می‌شود. سپاه اسلام فراریان لشکر آذربایجان را تا دریاچه نمک تعقیب می‌کنند. بسیاری از اسیران گردن زده می‌شوند و ارجانوسه توسط قعقاع بن عمر و مسلمانان می‌گردد. ناحیه ساوجیلاغ (سوق بلاغ) نیز به تصرف مسلمانان درمی‌آید. در این قسمت کتاب به یکی از رسوم که به ایران باستان نسبت می‌دهند، اشاره شده و آن ازدواج با محارم است. گویا شخصی به نام برداس که حاکم ساوجیلاغ بوده با

خواهر خود تزویج می‌کند.

در فتوح البلدان بلاذری آمده است که عمر بن خطاب ولایت آذربایجان را به حذیفه بن یمان داد و او با مرزبان آذربایجان بعد از یک درگیری به شرط پرداخت خراج صلح نمود. بعد از آنکه حذیفه از آنجا می‌رود، ولایت آذربایجان به عتبه بن فرقد سلمی داده می‌شود که از شهر زور به آنجا آمده بود. مدائنی فتح آذربایجان را از طریق صلح و به دست حذیفه می‌داند.<sup>۵</sup>

فصل پنجم: در بیان فتح ارمانی (ارومیه) است. خالد بعد از تصرف بیشتر قسمت‌های سرزمین اکراد به طرف اورمیه حرکت می‌کند، زیرا پادشاه آنجا به نام خوش قدم زیر بار اطاعت اعراب نمی‌رود و پادشاه مازندران چهل هزار نیروی کمکی به سوی او گسیل می‌کند. در جنگی که روی می‌دهد انس بن مالک موفق می‌گردد خوش قدم را بکشد و سپاه ارمانی شکست می‌خورد. غنایم به دست آمده به حدی فراوان بود که در حساب نمی‌آید و مسلمانان در آنجا ساکن می‌شوند و خالد، خمس غنایم را با فتحنامه‌ای به سوی عمر بن خطاب می‌فرستد. انس بن مالک نیز به حکومت ارمانی می‌رسد. درباره فتح اورمیه کتب فتوح دیگر، فتح اورمیه را به دست عتبه بن فرقد می‌دانند، زمانی که ولایت آذربایجان داشته است<sup>۶</sup>. در پایان این قسمت که در واقع پایان فتوحات در کردستان و مناطق کردنشین به روایت واقدی در فتوح سواد العراق است، به بازگشت سپاه اسلام و خالد بن ولید اشاره شده است. خالد به شهر حصص می‌رود و در آنجا فوت می‌کند. در این قسمت نیز به یک اشتباه تاریخی برخورد می‌کنیم و آن کشته شدن عبدالله بن عمر در هنگام برگشتن از فتوحات سواد است که از نظر تاریخی اشتباه است. زیرا عبدالله بن عمر تا مدت‌ها بعد از آن در قید حیات بوده است.

در قسمت پایانی بخش دوم نامه مترجم اثر به محمد رئوف توکلی (شخصی که نسخه عربی متن را در اختیار مترجم گذاشته است) در بیان فتح باننج یا بانه آمده است که در ابتدا خالد بانه را به صلح فتح می‌کند، ولی با پیمان شکنی اکراد، خالد اقدام به قتل عام مردم آنجا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شیخ محمد مردوخ کردستانی: تاریخ کرد و کردستان (تاریخ مردوخ)، جلد اول، چاپ دوم، کتاب فروشی غریقی سنندج، ص ۳۴.
- ۲- محمد امین زکی بیگ: زبده تاریخ کرد و کردستان، مترجم یدالله روشن اردلان، جلد اول، چاپ اول، نشر توس، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲.
- ۳- احمد بن یحیی البلاذری: فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۹۱.
- ۴- محمد بن علی بن اعثم کوفی: الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ص ۱۵۶.
- ۵- احمد بن یحیی البلاذری، پیشین، ص ۱۶۴-۱۶۳.
- ۶- احمد بن یحیی البلاذری، پیشین، صص ۹۰-۸۹.

بنا به دلایلی می‌توان گفت که کتاب فتوح سواد العراق از تألیفات محمد بن عمر واقدی نیست، ولی مواد اصلی داده‌های تاریخی کتاب از آغاز تا پایان از آثار واقدی اخذ و اقتباس شده است

اهمیت کتاب «فتوح سواد العراق» بیشتر به این خاطر است که کهن‌ترین سند مکتوب درباره تاریخ قوم کرد بعد از اسلام است